

اتلانتای جدید

از کتاب ولفگانگ کرون

برگردان: مسعود حاصلی

اتلانتای جدید حکایت سفری از میان دریای جنوب که از پرو شروع و بایستی به چین منتهی می شد

و چارچوب این واقعه؛ یادآور "سرنوشت علم" (کشتی) است که از میان ستون های سرنوشت ساز به طرف بیرون به پیش میراند

بنا به مقدمه ارغنون جدید که هدف آن نوسازی باشد «بیکن» اشاره زیر را در مورد ارغنون جدید میکند: بعد از اینکه من در امتداد سواحل قدیمی چیزهای مفید و سودمند را اخذ و برداشت کردم. و حالا من فهم انسانی را برای سفر در دریای آزاد مهیا و آماده میکنم. سفر اکتشافی در دریای آزاد که مخاطره آن رابه واسطه تجهیزات خوب (ارغنون جدید-قطب نما) باید محاسبه شود-این استعاره چارچوب واقعه اتلانتای جدید را بوجود می آورد اتلانتای جدید یک جزیره ای که بوسیله سفر دریایی نه به واسطه کار و عمل خویش؛ بلکه به وسیله

نیک بختی در یک بخت شوم؛ و در اثر یک توفان به دست آمده است و به همین خاطر هم تجسم یک اوتوپیا است در این مورد در ارغنون جدید یک اشاره وجود دارد در جملات قصار (127 کتاب اول) بیکن این سؤال را مطرح میکند که آیا **نوسازی او محدود به علوم طبیعی** است جواب او: **نه؛ مابقی علوم دیگر، منطق؛ اخلاق؛ سیاست؛** را هم در بر میگیرد **روش گردآوری وقایع و رویدادها، جدول اختراعات؛ و در زمینه اجتماع و سیاست** نباید کمتر بکار برده شوند. جنبه دیگر اوتوپیا نسبت به ارغنون جدید **در خور توجه و قابل ذکر است:** **ارغنون جدید** باید جایگزین **ارغنون قدیم ارسطو** بشود **اتلانتیس جدید** یک اوتوپیا است که باید جایگزین **اتلانتیس قدیم افلاطون** بشود. جزیره اتلانتیس 9000 سال پیش از زمان افلاطون در اثر یک زلزله در دریا فرورفت **در حالی** که **نزد بیکن اتلانتای جدید آرمان آینده است** چنان که تجسم افلاطون یک اثر ناتمام باقی میماند. زویس یک اخطار صریح به همه خدایانی می دهد که از نوع حاکمیت منقرض شده در اتلانتیس پیروی می کنند در اینجا گفتگو قطع میشود در حالی که **نزد بیکن** مسافری از طرف یک **دانای** جزیره با چنین جملاتی **بدرقه و رهسپار میشوند** طوری که شما آگاه و کسب اطلاع کردید آن رانیز در کشورهای دیگر اعلام کنید. اما **نزد افلاطون شکوه و شکایت از انحطاط یک آرمان گذشته است** نزد بیکن کاملاً نوع دیگری است. در ابتدا **نظری اجمالی** به **تعدادی اصول و مبادی** عمل اتلانتای جدید می اندازیم سر نشینان کشتی را اول بعد از مدت طولانی «**تحقیق و پرس جو درباره مذهب، مقصد؛ و وضعیت تندرستی آنان اجازه ورود** به کشور را میدهند» (از جمله شوپن بر این نظر است) (در کتاب تاریخ فلسفه جلد 3) که «سیاست پناهندگی اروپا» یکی از پروژهای بیکن است و ضمناً نظری کاملاً متفاوت در زمینهای مختلف با مؤلف (کرون) این کتاب دارد (م. بنزالم، بطوری که دولت این جزیره را اتلانتیس جدید می نامد، اما آنها خود را بنزالم مینامند و با توجه ودقت فراوان محافظ راز موجودیت خویش هستند خود آنها در عین اینکه تمامی قسمتهای جهان را می شناسند اما در صورتی به عنوان بیگانه اجازه ورود به کشور را ندارند که در ابتداء مهمانخانه اسکان گیرند که یک «**بار دیگر فرصت** یابند **آیین و مقاصد بیگانگان** را پرس و جو کنند در روز اول گفت و شنود؛ میزبان توضیح خواهد داد: که مذهب **مسیحی** ما بنزالم **در اثر یک معجزه طبیعت** به ما **اهداء** شده است

که از طرف یک فاضل و دانشمند «**خانه سالمون**» که با تحلیل **علمی** از پیشگویی **الهی** تعبیر شده است برای تایید این امر خداوند بلافاصله از یک نخل یک کاغذ پوستی با ارزش از انجیل را شکوفا کرد در دومین روز گفت و شنود مسافریین علاقه و توجه بیشتری به اطلاع درباره خانه سالمون پیدا میکنند از مدتهای بسیار زیادی است که اساس قانون اساسی کشور؛ سالمون؛ بوجود آمده است بنابراین توصیف و نام به عنوان «**اتحادی** از **فضائل اخلاقی** و **محاسن نیک**؛ **سالمون** و **سولون** (سولون - کاشف حق-گوت لیب) (یک شخصیت تاریخی جهان، هگل) معرفی شده اند خانه سالمون؛ در ادامه گفتگو خود را به عنوان «**یک مؤسسه اجتماعی بزرگ** و با **نفوذ** کشور» نشان میدهد اولین **مبادی عمل**؛ که به مهمانان توضیح داده میشود؛ در این است که **مجموعه دانش جهان** را برای بنزالم **تدارک و تامین** میکنند بدون اینکه جزیره در خارج از کشور معلوم و مشهود شود و سیله آن خیلی ساده و سهل است: «**جاسوسی صنعتی به هر نحوی**»، برای هر دوازده سال یکی از اعضای خانه سالمون مأموریت **پنهانی** دارد و به اندازه کافی با وسائل مالی در کشورهای بیگانه تامین میشود؛ برای اینکه " **اطلاعاتی** را درباره **کار و موقعیت** کشورهای دیگر تهیه کنند؛؛ به **خصوص** در زمینه **علم، هنر، کارخانه؛ و اختراعات** از همه جهان (146) بنزالم خود را به انزوا میکشاند از این که کشف شود و بدین علت بندرت فرصتی به دیدار کنندگان میدهند که با کشور و مردم اساساً آشنا شوند و داوطلبانه تصمیم به اقامت گیرند

مرتبط کردن قانون سخت

با کشش **وجاذبه فردی** نشان میدهد که **بنزالم** دارای یک **اصول حقوقی و مدنی** **منحصر** به خود را دارا می باشد: استفاده **فردی** و رفاه **دولتی** برای یکدیگر، ساکنین خود این را **آرزو و خواست** نام گذاری میکنند " **انسان گرایی و سیاست** رابه هم پیوند می دهند این آرزو از زمان تاسیس دولت بوسیله سالمون زنده مانده است ساده و سهل نیست که «**تئوری اجتماعی بنزالم**» را در **تصویری** از دوران **بیکن مرتب و منظم** کرد از یک طرف **بنزالم** مدل جامعه **بورژوازی نیست**، اما همانطور هم **خیلی** کم یک آرمان جامعه فئودالی کشاورزی است اهمیت بزرگ دیدگاه **هومانیستها** (انسان گرایی) قبل از **هر چیز یادآور انسان دوستی شهروندان** دولت **رنسانس** است. وقتی که آنها (مهمانها) در حین بازدید از شهر با مردم

همراه میشوند که در نهایت بدون محدودیت به آنها اجازه داده میشود که تحت عنوان دیگری در یک **جشن** بزرگ **خانواده** شرکت کنند این جشن آشکار میکند که **وحدت اجتماعی** بنزالم **بزرگ**؛ دارای **سلسله** مراتب و سیستم **خویشاوندی** هستند که **زیرمراقبت و نظارت رژیم** که این حق مختص به خود را داراست که **وکالت عمل درونی** را برای **منزاعه حقوقی**؛ و **تدابیر کمک** های **اجتماعی**؛ را در اختیار دارد جشن یک مخلوطی از یک پرُنوشی بزرگ و یک موعظه است و برای احترام به رئیس یک خانواده است که او موفق شده است که سی 30 نسل بعدی زنده خود را ببیند این نکته "**طبیعی**" **مقررات** اجتماعی است که **برجسته** میشود مقررات، در مورد ازدواج و زندگی اخلاقی و همانطور هم در مورد مذهب انعطاف پذیری در نظر گرفته میشود و به همین منوال معنی این **گرچه سخت** اما به عنوان "**طبیعی**" و **انسان دوستی**" قانونگذاری شده است به **طور مثال فاحشه خانه**؛ **معشوقه**؛ اجازه داده **نمیشود** و همان طور هم چند همسری؛ و ازدواج اجباری اما رابطه جنسی قبل از زناشویی ممکن نمی باشد اما **تدابیری** پیش گیری شده است که سود و زیان جسم گرایی پیش از ازدواج؛ ملاحظه شده است: **در حومه** هر شهری دو **حوضچه** وجود دارد که یکی را **آدم** و **دیگری حوا** می نامند یکی از دوستان مرد و همانطور یکی از دوستان زن اجازه دارند که این را تنها در حوضچه زیر نظر قرار دهند ((ببیند)) 154 یکی "از سالمندان خانه سالمون" بعد از یک دعای خیر "پسر من خداوند ترا متبرک کند" به او قول داده میشود: گنج گرانبهایی که از همه با ارزش تر است در اختیار دارم و این را به تو واگذار میکنم و من در این تردید نمیکنم، که خدا و اراده انسان "مؤلفین حقیقی خانه سالمون" هستند (154) اولین مقصد این خانه نامگذاری شده است: "**مقصد بنیانگذاری ما شناخت علت و حرکت** است و همچنین **نیروی پنهانی یادرونی در طبیعت** و **گسترش** حوزه **تسلط** انسانها تا نهایت **مرز ممکنات** (156) سریعاً این پرسش مطرح میشود چگونه میتوان این **هدف عمومی** را با سیاست **انزوای جزیره هماهنگ** کرد و در ضمن همه چیز اینجا **بنابرفاه و آسایش انسان بنزالم** فراهم شده است **نه بنا بر آسایش انسانها دگر** طوریکه ما بعداً خواهیم دید خانه سالمون یک مؤسسه وابسته به دولت نیست بلکه یک مؤسسه **مستقل و موثر است** این اشاره بر طرف کننده اختلاف بین **سلطنت انسان و دولت ملی** بنزالم نیست بلکه فقط نشان میدهد که بیکن بر این

اختلاف و کشمکش آگاه بود تشریح و توضیحات بعدی با یک لیست جامع که همه پژوهش آزمایشی و تاسیسات دیگر را دربرمیگیرد که خانه سالمون در اختیار دارد که بالاتر از بیست مؤسسه گوناگون معرفی میشود: **لیست زیرین بیانگر**

یک تصوری از انواع، اهداف، و نتایج است

- 1 **آزمایشات متفاوت** از 500 متر عمق تا بر روی کوه قرار دارد (پژوهش مواد و مصالح برای فرآورده مصنوعی، کود؛ مواد سوختنی)
- 2 کارگاه **صنعتی** یا فنی (**موتور؛ وسائل جنگی؛ هواپیما؛ ساعت؛ آدمک مصنوعی** و دستگاه خود کار یا **اتوماتیک**، منابع زیرزمینی آبی)
- 3 پژوهش طوفان تا 800 متر بلندی و به روی کوه قرار دارد (اخترشناسی؛ هواشناسی)
- 4 پژوهش به انضمام سایر مایعات (گاز؛ هوا؛ آب) مصنوعی؛ آبشار؛ چاه و منبع آب، تاسیسات یک باد تصنعی (؛ پژوهش مواد غذایی؛ پژوهش مصنوعی؛ پژوهش برق؛ نمک زدایی دریا؛ پژوهش پزشکی)
- 5 **پژوهش** آزمایشگاهی برای **آب گرم** (بررسی دمای هوا؛ **گرمای بیولوژی**؛ شعاع تصنعی)
- 6 **مؤسسه** ریاضیات (هندسه، ابزار ریاضیات؛ ستاره شناسی)
- 7 **آزمایشگاه** برای **پژوهش** (فرآوردهای مصنوعی؛ کاغذ، رنگ؛ الیاف)
- 8 **لابور برای تندرستی** (تحقیق هوای آلوده و سالم؛ **حمام طبی درمانی**)
- 9 **آزمایشگاه تغذیه علمی** : **آبجوسازی؛ نانوایی؛ لابور آشپزی، آزمایشگاه دارویی**
- 10 **آزمایشگاه، بینایی بصری** (نور تصنعی، طیف رنگارنگ نور، و **وسائل بینایی؛ سیستم روشنایی**)
- کارگاه **صوتی**؛ علم صوت (وسائل **موزیک**؛ زبان مصنوعی؛ **زبان حیوانات؛ وسائل صوتی و هدایت از دور**)
- 11 **آزمایشگاه چشایی**؛ طعم (بو؛ و پژوهش طعم برای تغذیه و لذایذ)
- 12 **باغ وحش شناسی** (پژوهش پرورش دادن (حیوان و گیاه)؛ بررسی سم ها و حوض پرورش ماهی)
- 13 **آزمایشگاه حشرات** ریز (پرورش دادن حشرات قابل استفاده و سودمند به ویژه از نوع زنبور عسل یا کرم ابریشم)
- 14 **محوطه بزرگ آزمایشگاه** (اعلام وضع هوا؛ باران مصنوعی؛ پرورش

حشرات زنده)

15 پرورش درخت؛ و باغ آزمایشی؛ گلخانه (تحقیقات پرورشی)؛

16 تکنیسین یا کارمند **شیاد** (فریب دهنده)

برای خواننده قرن 17 باید این یک جهان **معجزه و غیر قابل** دسترسی بوده باشد اما از دیدگاه قرن بیستم مشخص و معلوم است که تقریباً همه کارپژوهشی انعطاف پذیری متغیر و گوناگون دارند از طرح ریزی ممکنات یک **جهان تکنیک** تا به حال حتی یک نمونه آن واقع نشده است فرآوردهای مصنوعی **از موجودات زنده**؛ و یکی دیگر؛ **طول عمر بیشتر تحت تاثیر** مصرف دارو که این قابل شک می باشد همچنین مشخصات مؤسسات پژوهشی به طور اساسی از یکدیگر متفاوت نیستند امروزه برای آزمایش صنعتی؛ مؤسسات همگانی پژوهشی و تجهیزات دانشگاه طرح ریزی خواهد شد صرف نظر از آن که، تعدد و نابرابری بزرگ است و بیکن می خواهد هم معاصرانش را در این زمینه تحت تاثیر قرار دهد: "در تمامی زمینه ها و در همه انیستیتوها یک رابطه نزدیک بین علم و تکنیک وجود دارد همچنین آزمایش **نه** بر اساس دیسیپلین تقسیم بندی شده است بلکه بر اساس **محدوده زندگی** است **طبقه بندی مواد و دستگاه بنابر تقسیم بندی** نظریاتی که **از بکارگیری شناخت** حاصل میشود **و نکته** با اهمیت دیگر **درباره شیادین و رشوه خواران** این را بیکن طرح ریزی کرد برای آنکه او این خطر را می دید که **دانشمندان فرصت طلب با هنر شعبده بازی** به عنوان مردان **شگفت انگیز در حکومت و در ملت** میتوانند نفوذ کنند برای نمونه او نیازی به جستجو در زمان خود نداشت: نیروی **مافوق طبیعت ساحره**؛ (H xen و جادو **magier**)، و دکتران معجزه گراست اما اعضای خانه سالمون مظهر معجزه را رد میکنند و برای اینکه بتوانند دیگری را بر ملا کنند باید تا به آن حد و مرتبه جدیدی باشند «ما همه برادران را از پول و زناکاری» ممنوع کردیم که چیز طبیعی را به **وسیله هنر تصنعی** به عنوان چیزی **معجزه** آسا به نمایش بگذارند بلکه خالص طوری که هست بدون یک مظهر معجزه انگیزی (165) مفهوم اساسی فلسفی اینجا به پایان میرسد: جایی که تکنیک به عنوان چیزی طبیعی نشان داده میشود اما شیادی **؟؟؟؟** تصنعی است

مهم برای موقعیت بنای سالمون در جامعه انجام کار مدیریت و سازماندهی آن است اداره و خدمات آن؛ کار و حرفه گروهی جدید، از یکدیگر متفاوت میشوند:

1 **دوازده تاجرنور** که از کشورهای بیگانه کتابها و آزمایشات مرتب و منظم را به وطن می آورند

2 **سه صیاد جمع کننده** که تمام آزمایشاتی که در کتابها وجود دارد گردآوری میکنند

3 **سه مامور مخفی** که در هنرهای آزاد و مکانیستی و در رشته های عملی آزمایشات تجربی را جمع می کنند

4 **سه پیش کار** (راه گشا) یا **کارگران** معدن که آزمایش راحک و امتحان میکنند

5 **سه پیوند دهنده** که نتیجه آزمایشات را طبقه بندی و در جدول می آورند، برای آنکه آنها نتایج بهتری از نظارت و اصول بدیهی و متعارف را بیرون بکشند

6 **سه نیکوکار** که **مجهز به تجهیزاتی** که تحلیل نتایج **عمل روزمره و علم** رابه عنوان **مبداء بحث** و گفت و شنود برای نتیجه ای که در خدمت علت باشد

7 **سه مشعل دار روشنایی** بعد از گردهمایی متعدد و مشاوره در امور کارها و نتایج آنها را ارزیابی میکنند برای آنکه آزمایش جدید را معین و مشخص کنند

پرنورترین مشعلی را که **عمیقتر و بیشتر از** حالا در طبیعت نفوذ می کند با خود می آورند (165)

8 **سه استاد** یا **پرفسور** که **آزمایش** را هدایت می کنند و در این باره گزارش میکنند

9 **سه ناظر** یا **بازرس** برای **نظارت در طبیعت** که آزمایشات اکتشافی کنونی را به **طور وسیع نظارت** می کنند و **اصول متعارف** و **کلام قصار** را بوجود می

آورند اینها در مجموع 36 سی شش همکار هستند برادران خانه سالمون که اگر نوآموزان و نیروی فنی رابه آن اضافه کنیم ارقام بزرگی میشود

ناظرین به دفعات مکرر متوجه میشوند که بدین ترتیب **کار دستی** بر حسب **علم** بکار برده میشود اما چیزی که جلب توجه میکند از شیوه کار ساخت کنترل ذکری نمیشود به جای آن دنباله کار را در "گردهمایی مختلف و با مشاورت همه

همکاران **اخذ** تصمیم میشود که درباره همه نتایج **مشاوره** می کنند (164) این

خیلی کم مانوفاکتور و **بیشتر دمکراسی** حتی **از نهادهای پژوهشی کنونی** که وجود دارند